

این کوچه قاجاری دگرگون شده است

چهل خانه‌ای که ردی از آن نیست

رضا سلیمان‌نوری| تغییرات رخ داده در مشهد از دوران مشروطه به این سو، بسیار گسترده است. بیشتر این تغییرات در محدوده خارج از برج و باروی شاه طهماسبی رخ داد. ولی نه تنها مشهد قدیم از این تحولات بی نصیب نماند، بلکه نخستین این دگرگونی‌ها در این محدوده صورت گرفت. ایجاد خیابان طبرسی یکی از نخستین تغییرات است که در جریان آن، محله نوغان دو بخش شد و فرعی‌های آن نیز سرنوشت مختلفی پیدا کردند. برخی از این فرعی‌ها به‌طور کامل نابود شد و فرعی‌های جدیدی پدید آمد. همچنین برخی کوچه‌های نوغان همچون کوچه موسوم به «چهل خانه» به دلیل عبور خیابان طبرسی از آن‌ها کوچک‌تر شدند؛ البته چهل خانه در طول زمان، تحولات دیگری را هم به خود دیده است، تاجایی‌که اکنون باید به آن کوچه «چهل مسافرخانه» گفت.

وجه تسمیه چهل خانه

کوچه طبرسی ۱۶(نوغان ۵) پیش از این به کوچه «چهل خانه» مشهور بوده است. آن‌گونه که قدیمی‌های نوغان روایت می‌کنند، دلیل این نام بر کوچه، وجود چهل پلاک مسکونی در حاشیه دو طرف آن بوده است. اگر این واقعیت را در نظر بگیریم که این کوچه از همان سال‌های ابتدایی قرن گذشته به کوچه چهل خانه مشهور بوده است، اهمیت این موضوع روشن می‌شود. در آن دوران برخلاف امروز چیزی به عنوان آپارتمان وجود نداشت و در بهترین حالت، خانه‌های اعیان و رجال دو طبقه بود و بیشتر مردم در خانه‌های یک طبقه با سقفی کاهگلی زندگی می‌کردند. این فقط مربوط به بنای هر خانه بود؛ زیرا بیشتر خانه‌های آن دوران، مساحتی بیشتر از ۲۰۰ و ۲۵۰ متر داشتند. همین امر سبب شده است وجود چهل خانه در حاشیه کوچه‌ای که خود حدود

چهل خانه در دوره قاجار

چهل خانه از آن دست کوچه‌هایی است که رد آن را می‌توان در نقشه‌های ترسیم شده از مشهد دوران قاجار به راحتی پیدا کرد. این کوچه در نقشه جولییس الدمج، فرعی ماقبل آخر در سمت شرقی کوچه نوغان است. براساس آنچه در نقشه ترسیم شده است، کوچه چهل خانه در سال ۱۲۴۸ خورشیدی، مسیری بن بست بوده که پلاک انتهایی آن در مجاورت باغات متفرقه حاشیه میدان کهنه شهر قرار داشته است. این کوچه غربی شرقی در آن زمان، میزبان دو فرعی جنوبی و یک فرعی شمالی نیز بوده است که هر سه این کوچه‌ها بن بست بوده اند. همچنین مسیر اصلی کوچه چهل خانه در آن دوران

چهل خانه در دوران پهلوی

کوچه چهل خانه در دوران پهلوی تحولات بسیاری به خود دیده است. نخستین تغییر که شاید مهم‌ترین آن‌ها هم باشد، از بن بست خارج شدن این کوچه پس از ایجاد خیابان طبرسی است. این تغییر وضعیت البته باعث کوتاه‌تر شدن مسیر کوچه هم شده است؛ زیرا بخشی از آن در دل خیابان طبرسی قرار گرفته و بخش انتهایی کوچه نیز که با ایجاد خیابان از بخش اصلی جدا شده بود، تبدیل به کوچه‌ای جدید شد. این کوچه جدید (تا هنگامی که مسیری بن بست منتهی به حیطه سبزی بود) کوچه حنت نامیده می‌شد و بعدها که با تخریب این حیطه ادامه پیدا کرد، به کوچه «جوادیه» مشهور شد. اما این یگانه تحول ذکر شدنی در بدنه کوچه چهل خانه در دوران پهلوی‌ها نبود؛ زیرا در این دوره، آرایش بدنه کوچه نیز تغییرات چشمگیری پیدا کرد.

چهل خانه معاصر

اکنون از چهل خانه معروف این کوچه، کمتر از انگشتان دست منزل مسکونی باقی مانده و سایر این بناها به محل‌هایی برای اسکان زائران تبدیل شده است، تاحدی که باید نام این کوچه را از چهل خانه به چهل مسافرخانه تغییر داد. همین امر هم سبب شده هر دو مدرسه سابق فعال در کوچه، یعنی دبستان‌های پسرانه رام و دخترانه داوودی، دیگر وجود خارجی نداشته باشند، در کنار این تغییرات البته بر تعداد بناهای مذهبی کوچه افزوده شده است؛ اکنون مهم‌ترین بنای مذهبی فعال در اینجا، «زائرسرا و حسینیه کربلایی‌ها» نام دارد که کلنگش را سال ۱۳۵۸ یکی از ایرانی‌های رانده شده از کربلا بر زمین زد.

دیگر بنای مذهبی مهم کوچه، «بیت‌الصادق مکتب جعفری» است که پلاک ابتدایی یگانه کوچه فرعی غیربن بست کنونی منشعب از کوچه چهل خانه را

نامداران کوچه چهل خانه

شناخته شده‌ترین چهره‌ای که روزگار زیادی از عمرش را در کوچه چهل خانه گذراند، مرحوم حاج رمضان حداد است. او سال‌های سال در یکی از نخستین مغازه‌های این کوچه از سمت نوغان به شغل آهنگری و چلنگری مشغول بود و آخرین قفل ساز سنتی مشهد شناخته می‌شد. مرحوم حاج محمد کله که کمتر کسی فامیلش را به خاطر دارد و همه او را به این نام می‌شناستند و دلیلش هم سال‌ها اداره کله پزی میدان طبرسی بود، همچنین علی اصغر رستم‌زاده خراسانی، نوه حاج رستم عیار و مالک حمام حاج رستم که خود از نخستین رانندگان ماشین پیکان در مشهد بود و سال‌ها به عنوان راننده دکتر شیخ فعالیت کرد، از دیگر چهره‌های مشهور چهل خانه هستند. در کنار



دویست متر طول دارد، موضوعی مهم محسوب شود؛ زیرا تعداد خانه‌های بزرگ و با مساحت بیشتر از ۲۵۰ متر در کوچه، بسیار ناچیز بوده و حتی خانه‌هایی با حدود ۷۵ متر مربع مساحت در حاشیه این کوچه وجود داشته است؛ البته چهل خانه، تنها نام کوچه نیست و برخی قدیمی‌های نوغان، این کوچه را «چله خانه» می‌خوانند. این افراد علت خوانده شدن کوچه به این نام را وجود چند کارگاه چله‌کشی دار قالی در این کوچه می‌دانند. چهل خانه همچنین در سال‌های نخست سده چهاردهم خورشیدی به دلیل سکونت تعدادی از درشکه‌دارهای مشهد در آن، به کوچه «درشکه‌چی‌ها» نیز معروف بوده است. ناگفته نماند که در برخی نقشه‌های ترسیم شده از مشهد در ابتدای دهه ۷۰- از جمله نقشه پایه طرح طاش- نام کوچه، «چاله خانه» ثبت شده است که برداشت اشتباه ترسیم‌کنندگان نقشه از لغت «چهل خانه» است.

برخلاف امروز دارای دو پیچ نو در درجه‌ای بوده و به اصطلاح در دو نقطه دچار شکست بوده است. براساس اطلاعات موجود، بیشتر ساکنان کوچه در آن دوران، نوغان دار بودند و به پرورش کرم ابریشم و تولید نخ ابریشمی برای بافت پارچه و فرش اشتغال داشتند؛ به همین دلیل در برخی خانه‌های کوچه، دار قالی باقی وجود داشته است؛ البته با توجه به اینکه چهل خانه در سال‌های پس از مشروطه تا پایان دوره پهلوی اول، کوچه «درشکه‌چی‌ها» نامیده می‌شد. می‌توان حدس زد که تعداد درخورتوجهی از خانه‌های کوچه در آن زمان، دارای اسطبل برای نگهداری اسب‌های درشکه بوده‌اند. این امر می‌تواند دلیلی برای اثبات وسعت به نسبت بیشتر خانه‌های این کوچه در مقایسه با سایر کوچه‌های منشعب از راسته کوچه نوغان در آن دوران باشد.

یکی از دلایل مهم این تحول ساختاری کوچه چهل خانه، ورود خودرو به شهر و حذف تدریجی درشکه از سیستم حمل و نقل شهری بود. این کار در درجه اول، حذف اسطبل‌ها و کوچ درشکه‌داران ساکن کوچه از آن و سپس با توجه به تغییرات رخ داده در بافت اطراف حرم مطهر، تبدیل خانه‌های این افراد به واحدهای اقامتی را به دنبال داشت؛ امری که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب نیز تاکنون با شدت بسیاری ادامه دارد.

کوچه چهل خانه در میانه دوران پهلوی، یعنی به سال ۱۳۳۲، به‌گونه نقشه‌ترسیمی از مشهد آن دوران، مسیری مستقیم بود که راسته کوچه نوغان را به خیابان طبرسی متصل می‌کرد. این مسیر دارای گه فرعی نیز بود که شامل چهار فرعی جنوبی و پنج فرعی شمالی بود و همگی به تنهایی بن بست بلکه بسیار کوتاه بودند و اغلب، کمتر از ۱۰ متر طول داشتند.

به خود اختصاص داده است. پلاک پشت این بنا نیز که دومین پلاک فرعی شماره ۴ کوچه محسوب می‌شود، «دارالقرآن بیت‌الصادق» است و پلاک مقابل آن به یگانه مسجد کوچه یعنی «مسجد الزهراء» اختصاص دارد. سرانجام باید گفت منزل چهره سرشناس سال‌های نه‌چندان دور ساکن کوچه چهل خانه، یعنی مرحوم حاج محمد کله، صاحب قدیمی‌ترین کله پزی میدان طبرسی، هم پس از نوسازی کامل، تبدیل به حسینیه گلپایگانی‌های مقیم مشهد شده است.

از منظر ساختار شهری نیز کوچه چهل خانه اکنون دارای شش فرعی شمالی و پنج فرعی جنوبی است که همه به جز یکی، بن بست هستند. یگانه فرعی غیربن بست کوچه هم شهید حسینی ۴ نام دارد که بر اثر تغییرات رخ داده پس از احداث شارستان، از بن بست خارج شده است و به شارستان ختم می‌شود. ناگفته نماند که در پشتی مسجد حاج حکیم در حاشیه خیابان طبرسی نیز در این کوچه قرار دارد.

این‌ها، حاج صادق گلشن، مؤسس و تولید حسینیه کربلایی‌ها در این کوچه و سید جعفر کشمیری، بنیان‌گذار مؤسسه فرهنگی و مذهبی بیت‌الصادق مکتب جعفری در مجاورت حسینیه یادشده، دو چهره شناخته شده دیگر کوچه چهل خانه هستند که یکی در نزد زائران و دیگری در بین مجاوران امام‌ثامن^(ع)، محبوبیت خاصی دارند. خانواده‌های نقیبی، میرزایی، وزیرزی و ساغروانی را هم باید جزو خاندان‌هایی دانست که در سده گذشته، بخش بزرگی از عمر خود را در این کوچه طی کرده‌اند. در پایان باید یادآوری کنیم که کوچه چهل خانه، زادگاه تعدادی از شهیدان گلگون‌کفن انقلاب اسلامی هم بوده است که نام دو نفر از آنان یعنی شهیدان محمدهادی حسینی و علیرضا صفاریان، به ترتیب بر ورودی کوچه از طرف خیابان طبرسی و نخستین فرعی آن، نقش بسته است.



آرامگاه خواجه ربيع در دوره قاجار / عکس ، عبد... قاجار

ایران نامه

تگاهی به «کنفرانس تهران» که بدون اطلاع دولت وقت

در آذر سال ۱۳۲۲ برگزار شد

وارونه‌نمایی یک تحقیر



امید حسینی‌نژاد| در روز ۶ آذر سران متفقین بدون اطلاع دادن به دولت وقت، وارد خاک ایران شدند و در سفارت شوروی حضور یافتند. روزنامه‌ها هیچ خبری درباره این اتفاق منتشر نکردند. جالب است بدانید که نخستین گزارش درباره کنفرانس تهران، شش روز بعد از این اتفاق در روزنامه اطلاعات چاپ شد. ۱۰ آذر، استالین، روزولت و چرچیل از کشور خارج شدند و از این سه نفر، تنها کسی که با محمدرضا پهلوی دیدار کرد، استالین بود و چرچیل و روزولت هیچ اعتنایی به شاه ایران نکردند. اما رویکرد رسانه‌های ایران در برابر این اتفاق جالب توجه بود.

● ملاقات و مذاکرات استالین، چرچیل و روزولت

در روز دوازدهم آذر، خبر حضور سران متفقین در ایران به نقل از منابع خارجی(شوروی، آمریکایی و انگلیسی) در روزنامه اطلاعات منتشر شد. این جریده با تأثیر انجمن مهم و تاریخی تهران، ملاقات و مذاکرات استالین، چرچیل و روزولت، این خبر را منتشر کرد. در زیر این تیتربه نقل از رادیو مسکو آمده بود: «انجمن روزولت و استالین و چرچیل چند روز پیش در تهران تشکیل شد. نمایندگان سیاسی و نظامی سه کشور هم در این انجمن شرکت داشتند.» آنچه در این شماره از روزنامه اطلاعات به آن پرداخته شده بود، اهمیت و تأثیر برگزاری کنفرانس تهران بر چگونگی وضعیت جهان پس از جنگ جهانی دوم بود و اشاره‌ای به دیدارهای کوتاه شاه و ضیافت شام در کاخ سعدآباد نشده بود.

● شادمانی کاذب از برگزاری یک کنفرانس

اما در روز بعد، روزنامه اطلاعات در صفحه نخست خود، از شادمانی و سرور حاصل از برگزاری این کنفرانس سخن گفت. این روزنامه در ابتدای صفحه نخست خود نوشت: «ورود رئیس جمهوری کشورهای باعظمت آمریکا و مارشال استالین، نخست‌وزیر اتحاد جماهیر شوروی و چرچیل، نخست‌وزیر انگلستان، به ایران و تشکیل کنفرانس مهم سه‌جانبه‌ای در تهران، موجب مسرت و شادمانی قاطبه اهالی ایران واقع شد و ما از صمیم قلب، ورود سران کشورهای متفق را به تهران و موفقیت‌هایی که در پرتو مساعی ذات مقدس شاهانه نصیب دولت و ملت ایران گردیده، به عموم هم‌میهنان شادباش می‌گوییم.»

این روزنامه ۱۴ آذر در ادامه سیاست پیروزمایی کنفرانس تهران، اعلامیه سران متفقین را یک سند تاریخی بزرگ دانست و نوشت: «متفقین به ما یک بار دیگر ثابت نمودند که هدف آن‌ها در جنگ کنونی، تأمین عدل و آزادی و رفاه و آسایش کل ملل است.» روزنامه اطلاعات با فراموشی حمله متفقین به ایران در شهریور ۱۳۲۰ همچنین نوشت: «اجتماع سران سه دولت بزرگ متفق جهان با بسیاری از مردان بزرگ سیاسی و نظامی آن کشورها در تهران و تشکیل بزرگ‌ترین کنفرانس که در تاریخ جنگ کنونی، بی‌نظیر و در تاریخ دیپلماسی جهان کم‌نظیر بوده، فوق‌العاده اسباب افتخار مردم ایران به‌ویژه ساکنین تهران می‌باشد. ایران در شمار نخست‌وزیر و اولیای دولت در این موفقیتی که نصیب ملت ایران شده، تأثیر فراوان داشته.»

مطبوعات و مسئولان رژیم تلاش کردند این اتفاق را به یک جشن بزرگ ملی تبدیل کنند. از این رو مدام اقدام به تریک‌گویی و برگزاری جشن‌هایی می‌کردند. یکی از این جشن‌ها و مراسم، جلسه‌ای بود که با حضور معاون وزیر کشور و شهردار تهران و به افتخار اجتماع سران سه دولت در تهران، در انجمن شهر تهران، برگزار شد. انجمن شهر تهران به نوعی کارکرد شورای شهر امروز را داشت. در این جلسه، شهردار تهران پیشنهاد داد سه خیابان مهم و بزرگ در تهران به نام‌های روزولت، چرچیل و استالین ثبت شود. این پیشنهاد به تصویب بیشتر نمایندگان انجمن رسید و اجرایی شد. این سه خیابان تا پیروزی انقلاب اسلامی به همین نام‌ها بود که پس از انقلاب نامشان تغییر یافت.

بدین ترتیب، مسئولان رژیم پهلوی و مطبوعات داخلی، کنفرانس تهران را که دو سال پس از حمله متفقین به ایران و اشغال تهران برگزار شده بود، یک اتفاق مبارک و تاریخی به مردم معرفی کردند و در حالی که هنوز غرامت‌های حمله به ایران پرداخت نشده بود، سران متفقین بدون اطلاع مقامات ایران، وارد خاک کشورمان شده بودند و حتی شاه ایران را هم به حضور نپذیرفتند و تنها در حد چند دقیقه با او در

حیاط سفارت شوروی، سلام و علیک کردند.

پس از شادمانی و سرور و وارونه‌نمایی و بزرگ‌نمایی کنفرانسی که در تهران برگزار شد، اتفاق خاصی نیفتاد و برخلاف وعده‌ای که در اعلامیه پایانی نشست سران متفقین داده شد، نه تنها غرامت‌ها و خسارت‌های حمله به ایران و اشغال تهران در سال ۱۳۲۰ پرداخت نشد، بلکه تمام نیروهای متجاوز نیز از خاک کشورمان خارج نشدند و تا چند سال بعد، بخش‌هایی از ایران در اشغال نیروهای شوروی باقی ماند و حضور نیروهای شوروی در خاک کشورمان تا سال ۱۳۲۵، خسارت‌هایی را متوجه تمامیت ارضی کشورمان کرد.

شهر

۲۳ شنبه
۴ آذر
۳۰ جمادی‌الثانی
۱۳۲۵

SHAHRAKNEWS.IR

۱۵



تاریخ و هویت

نمای ابتدای کوچه از سمت طبرسی



نمای قدیمی ترین خانه کوچه



نمای دارالقرآن بیت‌الصادق مکتب جعفری

قدمت کوچه چهل‌خانه

قاجار

نام‌های دیگر کوچه چهل‌خانه

طبرسی ۱۶، نوغان ۵

درشکه‌چی‌ها، چله‌خانه

بناهای شاخص

حسینیه کربلایی‌ها، بیت‌الصادق

مکتب جعفری، حسینیه گلپایگانی‌ها

چهره‌های شاخص

حاج محمد کله، حاج رمضان حداد، علی اصغر

رستم‌زاده خراسانی، حاج صادق گلشن،

سید جعفر کشمیری، خانواده‌های نقیبی،

میرزایی، وزیرزی و ساغروانی

شه‌ای کوچه چهل‌خانه

شهید محمدهادی حسینی و شهید علیرضا صفاریان

اماکن آموزشی موجود

دارالقرآن بیت‌الصادق

اماکن آموزشی تخریب‌شده

دبستان پسرانه رام، دبستان دخترانه داوودی

به‌سوی دشت و کوه دور و نزدیک

اردلان ادر قدیم، مزارهای متریکی چون آرمگاه خواجه ربیع، خواجه مراد و خواجه اباصلت، علاوه بر جنبه مذهبی و زیارتی شان، چون در زمین‌های هموار، سرسبز و بیرون از دایره شهری قرار داشتند، تفرجگاه مردم برای دمی آسودن و فارغ شدن از شلوغی‌های زندگی روزمره هم بودند. مرحوم رضا افصلی در کتاب «منظومه مشهدی‌های قدیمی»، چند بیتی سروده است که مضمون آن چنین است:

مشهد قدیم